

راهبردهای سیدالسادین علی بن الحسین علیه السلام در ترویج فرهنگ عاشورا

فاطمه معتمد لنگرودی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۳

چکیده

به مدد معماری هوشمندانه و شجاعت امام سجاد علیه السلام، یاد و خاطره شهدای کربلا زنده ماند. این مقاله درصدد است راهبردهای امام را به منظور پاس داشت فرهنگ عاشورا مورد بررسی قرار دهد. از این رو سؤال این پژوهش آن است که راهبردهای امام سجاد علیه السلام در زنده نگه داشتن و ترویج فرهنگ عاشورا و شهیدان دشت کربلا چه بود؟ این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفت. نتایج حاصل از پژوهش آن است که با توجه به شرایط زمانی امام و قتل و سرکوب شیعیان توسط خلفای اموی و کارگزاران ایشان، امام سجاد علیه السلام از حربه سیاسی (مبارزه منفی) و فرهنگی بهره برده و موفق شد فرهنگ عاشورا را زنده نگه دارد و به نسل‌های بعد انتقال دهد.

کلیدواژگان: راهبرد، امام علی بن الحسین علیه السلام، عاشورا، عزاداری، فرهنگ.

۱. کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه الزهرا (flangrodi@yahoo.com)

پس از گذر سال‌ها، هنوز حماسه عظیم عاشورا کربلا فراموش نشده و نسل به نسل، همچنان ادامه و انتقال می‌یابد. این حماسه نه تنها نمازِ جاودان آزادی خواهی و ظلم ستیزی است؛ بلکه در سایه ذکاوت و درایت ائمه اطهار علیهم‌السلام، شیعیان و دوست داران حقیقی راه ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام ادامه یافته و هر ساله شاهد احیای مراسم عزاداری و تعزیه در ایران و سایر کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی هستیم.

بی‌شک در طول تاریخ پرفراز و نشیب دنیای اسلام، حرکت‌ها و قیام‌های بسیاری به وقوع پیوسته است. لیکن هیچ حرکتی، پویایی و برجستگی خون و پیام قیام عاشورا را ندارد. اما آنچه بیش از همه واقعه کربلا را پرفروغ و سازنده جلوه داده، سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام و جهت‌گیری‌های آنان در قبال این رویداد عظیم بشری است.

با نگاهی مختصر به زندگی امام حسین علیه‌السلام و امام بعدی - امام سجاد علیه‌السلام - این امر فهمیده می‌شود که تفاوت بسیار زیادی در جهت‌گیری‌های آن دو بزرگوار در قبال حاکمان زمانه وجود داشته است؛ چراکه امام حسین علیه‌السلام به جهاد و نبرد علیه خلیفه جوراموی - یزید - پرداخت، ولی امام سجاد علیه‌السلام به دلیل شرایط خفقان و سرکوب شیعیان و اهل بیت علیهم‌السلام، دست به مبارزه فرهنگی (منفی) زده و از قیام علنی و سیاسی علیه حکومت اموی و خلفای آن پرهیز کرد.

با این توضیحات، سؤال و دغدغه این پژوهش آن است که راهبردهای سیاسی و فرهنگی علی بن الحسین سیدالسادین علیه‌السلام به عنوان تنها باقی مانده فرزند ذکور خاندان امامت، در زنده نگه داشتن و ترویج و گرامی داشت فرهنگ عاشورا و یاد و خاطره امام حسین علیه‌السلام و شهدای دشت کربلا چه بوده است؟ این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع روایی و تاریخی موجود در کتابخانه‌ها و نگاهی تحلیلی‌گر، انجام گرفته است.

در زمینه پیشینه این پژوهش اثری شاخص یافت نشد و تنها در کتاب‌هایی که در باب زندگی نامه امام سجاد علیه‌السلام نگاشته شده است، می‌توان مواردی را یافت. از این رو این مقاله



به صورت مستقل و منسجم در پی یافتن راهبردهای امام سجاد علیه السلام در ترویج و گرامی داشت واقعه عاشورا با استفاده از منابع روایی و تاریخی و به شیوه تحلیل گزارش‌های روایی و تاریخی به دست آمده است.

پس از این مقدمه، نخست به بررسی شرایط سیاسی، دینی و فرهنگی امام علی بن الحسین علیه السلام در زنده نگه داشتن رویداد عظیم کربلا و حماسه آفرینان آن (امام حسین علیه السلام و یاران ایشان) پرداخته می‌شود.

۱. شرایط سیاسی عصر امام سجاد علیه السلام

امویان پس از صلح امام حسن علیه السلام در سال ۴۱ ق، به طور علنی و رسمی خلافت را به دست گرفتند. بنیان‌گذار این سلسله معاویه بن ابوسفیان، یزید بن معاویه و معاویه بن یزید (معاویه دوم) بودند که در طی سال‌های ۴۱-۶۴ ق به حکومت پرداختند. لیکن با کناره‌گیری معاویه دوم از قدرت، در کنگره جاییه، اعضای حزب یمنی و بزرگان سپاه، مروان بن حکم را به قدرت رساندند و بدین طریق خلافت از شاخه سفیانی به مروانی منتقل گردید. (۶۴-۱۳۲ ق) که اولین آن‌ها مروان بن حکم و آخرین آن‌ها مروان بن محمد بود. (طقوش، ۱۳۸۷: ۸۵). از این رو امام علیه السلام، از نخستین روز امامت تا پایان مدت امامت خویش، با خلفایی چون یزید بن معاویه (۶۰-۶۴ ق)، معاویه بن یزید (۶۴ ق)، مروان بن حکم (۶۴-۶۵ ق)، عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ ق) و ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ ق) هم‌زمان بود. (همان: ۲۵۳)

باید افزود با توجه به حاکمیت بنی‌امیه بردنیای اسلام، امام سجاد علیه السلام در اوضاع سیاسی سختی روزگار می‌گذراند. از این رو درباره شرایط آغاز امامت علی بن الحسین علیه السلام گفته شده است: علی بن الحسین علیه السلام امامت خود را به صورت مخفی و با تقیه شدید و در زمانی دشوار عهده‌دار گردید. (مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۶۸)

از این گزاره تاریخی می‌توان فهمید که شرایط در زمان امام سجاد علیه السلام بسیار سخت بود و علناً نمی‌توانست به مبارزه سیاسی دست بزند و تنها از طریق تقیه که همان مبارزه فرهنگی بود، به مبارزه با حکومت پرداخت. به نحوی که دعاهای صحیفه سجادیه مبنی

بروجود ظلم و ستم حاکمان جامعه دال براین امر دارد.

سرانجام امام سجاد علیه السلام در محرم سال ۹۴ یا ۹۵ ق به زهرولید بن عبدالملک مسموم شده و به شهادت رسید و در قبرستان بقیع در کنار قبر عمومی خویش امام حسن علیه السلام مدفون شد. (قمی، ۱۳۶۱: ۱۹۶ و ۱۹۷؛ یعقوبی، بی تا: ۳۰۳/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۱۴/۹)

۲. شرایط دینی - فرهنگی عصر امام سجاد علیه السلام

بی شک امام سجاد علیه السلام از نظر علمی در میان مسلمانان و بالأخص شیعیان از موقعیت و منزلتی والا برخوردار بود؛ چنان که پس از واقعه حره، مسلم بن عقبه با این که از مردم مدینه به عنوان برده یزید بیعت گرفت، لیکن با امام در نهایت توجه و احترام برخورد کرده و مقرری بدان حضرت پرداخت (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۲۶۶؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۵۱۶/۲). از سوی دیگر به دلیل تدریس فقه و حدیث مورد توجه محدثان بوده است. از این رو مورخان در کتب خویش از مقام علمی امام علیه السلام ستایش کرده اند.

ابن سعد - از بزرگ ترین محدثان قرن سوم هجری - امام علیه السلام را چنین توصیف می کند:

کان علی بن الحسین ثقه مامونا کثیر الحدیث عالیا رفیعا ورعا. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۷۲/۵)

ابن حجر عسقلانی می نویسد:

در میان قریش بهتر از علی بن الحسین علیه السلام نبوده، وی فقیه ترین فرد مدینه است.

(ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶: ۳۰۵/۷)

ابن کثیر در تاریخ خویش از قول زهری محدث بزرگ قرن دوم می نویسد:

علی بن الحسین علیه السلام افقه و برترین مردم زمانش بود. (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۰۸/۹)

بنابراین با توجه به وجاهت اجتماعی و جایگاه علمی امام علیه السلام در نشر عقاید اصیل اسلامی پس از واقعه کربلا، به دلیل آن که فرزندان امام حسین علیه السلام به نام های علی اکبر علیه السلام و علی اصغر علیه السلام به شهادت رسیدند، نسل امامت تنها از طریق امام سجاد علیه السلام باقی ماند. بنابراین آن حضرت، همراه کاروان به اسیری به کوفه و شام برده شد. در این سفر، امام سرپرست و تکیه گاه اسیران بودند و با سخنرانی های خویش در کوفه و شام، حکومت

اموی و شخص یزید بن معاویه را رسوا نموده و با شناساندن ماهیت یزیدیان، پیام عاشورا را به گوش مردم رساند و پس از بازگشت از شام، در مدینه رحل اقامت افکنده و در این مدت ۳۴ سال، پس از واقعه عاشورا به تربیت شاگردان و تدریس فقه و حدیث گام برداشت و کنیزان و غلامان را خریده و پس از تربیت اسلامی، آزادشان می ساخت.

در این زمان خلفای اموی و کارگزاران وی، لباس های فاخر بلند و گران قیمت می پوشیدند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱/۲۴۸ و ۱۸۰/۹). از سوی دیگر امویان با رواج دادن شعر و پرداخت مبالغ هنگفت به شاعرانی چون أخطل و جریر سعی داشتند تا مفاخر دوره جاهلی خود را زنده کرده (همو: ۴/۴۲۷ و ۴۲۸) و از این طریق در پی مبارزه با مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام بودند تا نامشان را از اذهان مردم پاک کنند. باید افزود که مورخان معتقدند پس از مرگ معاویه و قدرت یابی یزید بن معاویه، شهر مکه و مدینه علناً به مرکز لهو و لعب، آوازه خوانی، رقص، قمار بازی، غنا و موسیقی تبدیل شد (همو: ۱/۷۲ و ۷۳) و آوازه خوانان و رقاصان در مدینه مجالس مختلط ترتیب می دادند (شریف قرشی، ۱۴۰۹: ۲/۴۱۰ و ۴۱۱). کار به جایی رسید که فرهنگ بی بند و باری، گریبان گیر قاضیان و فقیهان شهر گردید (جعفریان، ۱۳۷۵: ۱/۱۸۱).

۳. اقدامات امام سجاد علیه السلام در ترویج و احیای فرهنگ عاشورا

امام سجاد علیه السلام در طول امامت خویش، با اتخاذ شیوه تقیه به مبارزه با حکومت اموی پرداخت و دست به اقدامات فرهنگی خاصی در جهت احیا و ترویج فرهنگ عاشورا و زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا زد که بنا بر مستندات روایی و تاریخی به شرح زیر است:

۳-۱. پند و ارشاد امت از طریق موعظه و دعا

اولین راهبرد عملی امام سجاد علیه السلام در راه احیای فرهنگ عاشورا، پند و ارشاد امت به دو طریق موعظه و دعا بوده است. از این رو امام بنا به وضعیت و شرایط زمانی حکومت امویان، نمی توانستند مفاهیم مورد نظرشان را به صورت آشکار و صریح بیان کنند. بنابراین از شیوه موعظه استفاده کرده و مردم را با اندیشه های صحیح اسلامی و وقایع کربلا

آشنا می‌ساخت. بنابراین حضرت در هر روز جمعه در مسجد النبی ﷺ، بیانات و مواعظ خویش را برای یاران خویش و عامه مردم ایراد می‌نمود. امام علیه السلام در یکی از این مواعظ می‌فرماید:

ای مردم! پرهیزکار باشید و بدانید که به سوی خدا باز خواهید گشت. آن روز هر کس آنچه را که از نیک و بد انجام داده نزد خود حاضر خواهد یافت و از نخستین چیزها که در قبر سؤال می‌شود، از پروردگارت است که او را عبادت می‌کنید و از پیامبری است که او را به سوی شما فرستاده‌اند و از دینی است که از آن پیروی کرده‌اید و از کتابی است که آن را تلاوت می‌کنید و از امامی است که ولایت او را پذیرفته‌اید. (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۳/۸؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۹)

روشن است که امام علیه السلام در این کلام خویش از روش تقیه بهره برده و ذهن‌های بیدار را به این مقصد رهنمون می‌سازد که در قیامت از امامی که ولایت او را پذیرفته‌اید، سؤال خواهد شد و پاسخ شما چیست؟ حال آن که امام حسین علیه السلام بارها در کربلا خطاب به مردم کوفه فرمود:

آیا می‌دانید من امام شما هستم و پدر و مادرو جدم چه کسانی‌اند؟

امام با این سخن می‌فهماند که شما راه حق را نپذیرفته و سر تعظیم در نزد خلفای جور اموی فرود آورده‌اید.

از دیگر راه کارهای متوجه شناختن مردم به مقام اهل بیت علیهم السلام، پند و ارشاد امت از طریق دعاست که حضرت اهداف و مقاصد خویش را در قالب دعا و مناجات بیان کرده است که شامل ۵۴ دعاست و به نام صحیفه سجادیه بوده که در میان اهل حدیث به اخت القرآن و زبور آل محمد ﷺ شهرت یافته است. در این دعاها علاوه بر مناجات با خدا، امام علیه السلام ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دینی عصر خویش به ویژه مقام ولایت پیامبر ﷺ و اهل بیتش علیهم السلام را بیان می‌نمود. همچنین امام علیه السلام در زمانی که حتی قرارداد نام علی بر فرندان تقبیح می‌شد و افراد به این دلیل مورد تهدید قرار می‌گرفتند؛ در دعاهای خویش تعبیری چون: «اللهم صل علی عبدک محمد وآله»، «علینا بمحمد وآله» و

«صلوات الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين الأخيار الأنجيين» (علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶: ۳۴ و ۵۲ و ۱۳۳ و ۱۸۴ و ۲۳۲) را بارها تکرار نموده است و بدین نحو در پی القای این مطلب است که امامان معصوم علیهم السلام نه تنها فرزندان علی علیه السلام، بلکه بنا به آیه قرآن مصداق بارز فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند که اطاعت از آنان بر تمام مسلمانان واجب است.

۲-۳. برملا ساختن ماهیت پلید اموی از طریق خطبه خوانی امام سجاد علیه السلام در کوفه و شام

راهبرد دیگر امام علیه السلام برای زنده نگه داشتن قیام عاشورا، برملا ساختن ماهیت پلید اموی از طریق خطبه خوانی در کوفه، شام و مدینه است تا مردم از اوضاع جامعه آگاه شده و گول تبلیغات دستگاه اموی را نخورند. بنابراین امام علیه السلام برای معرفی خاندان اهل بیت علیهم السلام دست به ایراد سخنرانی زد؛ زیرا امویان در قلمرو خویش بر ضد اهل بیت علیهم السلام گام برمی داشتند و امام با بهره مندی از سخنرانی هایش، در پی آن بود تا جامعه اسلامی، به خاطر تقابل میان دو گروه اهل بیت علیهم السلام و امویان به حقانیت جریان اهل بیت علیهم السلام پی ببرند و شاید به همین علت بود که خطبه شام را به معرفی خود اختصاص داد و نسبت خود با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در آن منبر پر مخاطب به همگان گوشزد نمود. از جمله برخورد مرد شامی با امام سجاد علیه السلام است که امام علیه السلام با توجه به آیات قرآن (شوری: ۳۳؛ احزاب: ۳۳) اهل بیت حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - نه آنچه امویان می گفتند - را به آن پیرمرد شناساند تا جایی که آن پیرمرد توبه کرد و سرانجام به دست یزید به شهادت رسید. (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۷۶-۱۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۹/۴۵)

در روایتی دیگر و از کاخ یزید روایت شده که سر امام حسین علیه السلام را در مقابل امام علیه السلام و کاروان اسرا آوردند و یزید به خطیبی سخنور گفت: دست این جوان را بگیر و کنار منبر ببر و مردم را از بدفکری پدر و جد او و جدایی آن ها از حق و سرکشی آن ها بر ما آگاه ساز. آن خطیب هم از ذکر هیچ زشتی درباره این خاندان فروگذار نکرد. هنگامی که از منبر فرود آمد، امام سجاد علیه السلام برخاست و حمد و سپاس خدا را گفت و پس از درود بر

پیامبر ﷺ فرمود:

ای مردم! خدای متعال پرچم هدایت و عدالت و پرهیزگاری را در ما اهل بیت قرار داد و پرچم گمراهی و نابودی را در غیر ما قرار داد. ما اهل بیت شش ویژگی داریم و هفت ویژگی به ما اختصاص دارد. خداوند علم، بردباری، سخاوت، فصاحت، شجاعت و محبت در دل های مؤمنان را به ما ارزانی داشته و ما را به این هفت ویژگی بر دیگران برتری داده است؛ پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین ﷺ، جعفر طیار، شیر خدا و شیر رسول خدا (حمزه) و حسن ﷺ و حسین ﷺ از ما هستند... ای مردم! هرکس مرا شناخت که شناخت و هرکس که مرا نشناخت من خود را برایش معرفی می کنم. این منم! فرزند مکه و منی و فرزند مروه و صفا! من فرزند بهترین کسی هستم که طواف و سعی نمود. من فرزند همانم که شبانه از مسجدالحرام به مسجدالاقصی برده شد. من فرزند آنم که جبرئیل ﷺ او را به سدره المنتهی برد. من فرزند آنم که ملائکه آسمان با او نماز گزار شدند. من فرزند پیامبری هستم که پروردگار بزرگ به او وحی نمود. من فرزند محمد مصطفی ﷺ و علی مرتضایم. من فرزند آنم که پیشاپیش رسول خدا ﷺ با دو شمشیر و دو نیزه می جنگید و دو بار هجرت کرد و دو بار بیعت کرد و در بدر و حنین با کافران جنگید و به اندازه چشم برهم زدن به خدا کفر نورزید. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۶۸/۴ - ۱۶۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۱۰/۲ - ۳۱۲؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۹۱/۲ - ۳۹۶)

بنابراین، سخنان امام ﷺ در مجالس شام در سه بخش تبیین می گردد:

۱. بیان ویژگی های اهل بیت ﷺ که در شام ملموس تر از کوفه است.
۲. بیان رابطه خویشاوندی خود با پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ و بیان مناقب آنان.
۳. تهییج عواطف و احساسات مسلمانان به واسطه نوحه خوانی و عزاداری بر امام حسین ﷺ و یاران شهیدش.

از سوی دیگر امام سجاد ﷺ در کوفه نیز در میان مردم به پا خاست و خطاب به مردم کوفه، فرمان سکوت داد. پس همگان سکوت کردند و امام علی ﷺ پس از حمد و ثنای خداوند و یاد از پیامبر ﷺ و تجلیل حضرت، آن گونه که سزاوار بود؛ فرمود:

مردم! آن کس که مرا شناخته شناخت و آن کس که مرا نشناخت خود را معرفی می‌کنم. من علی بن الحسین بن علی بن ابی طالبم. من فرزند مذبوح در کرانه شط فراتم و نعمتی که حق او بود از سلب شد. من فرزند آنم که هتک حریم حرمت وی شده و زنان و فرزندانش به اسارت گرفته شده است! من فرزند کسی هستم که او را بدون دفاع کشتند و افتخار این شهادت ما را بس است. ای مردم! شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا می‌دانید که به پدرم نامه نوشتید و او را فریب دادید و با او پیمان بستید و بیعت کردید و سپس آن‌گاه رهایش کرده و کمر به قتلش بستید؟ نابود گردید بدان چه برای خود از پیش فرستادید و چه بد اندیشه‌ای دارید. با کدام دیده، می‌توانید به رسول الله ﷺ بنگرید آن‌گاه که این سخن را پیش کشد: «عترتم را کشتید و حرمتم را هتک کردید، پس شما از امت من نیستید.»

سپس فرمود:

خدا رحمت کند کسی را که نصیحت مرا بپذیرد و وصیت مرا در مورد خدا و پیامبر ﷺ و اهل بیتش حفظ کند، چه او الگوی نیکوی ماست.

همگان گفتند:

ای فرزند رسول الله! همه ما سامع و مطیع و حافظ ذمه شما ایم. (در خط تسلیم و اطاعت فرمان توایم).

امام در جواب مردم کوفه فرمود:

هیئات! هیئات! ای نیرنگ بازان بی وفا! آیا می‌خواهید با من آن کنید که از پیش با پدرم کردید؟ دیروز بود که پدرم را در حالی که اهل بیتش با او بودند، به شهادت رساندید و هنوز مصیبت رسول خدا ﷺ و داغ پدرم و فرزندانش و جدم فراموش نشده و موی رخسارم را سفید کرده و تلخی آن در حلقوم و حنجره‌ام به جاست و اندوه آن در سینه‌ام باقی مانده است و خواهش من آن است که نه با ما باشید و نه علیه ما. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۱۵/۴؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۰۵/۲ و ۳۰۶؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۸۹ و ۹۰)

از مجموعه خطبه‌های امام سجاد علیه السلام در شام و کوفه می‌توان چنین فهمید که معرفی اهل بیت علیهم السلام در شام ضرورت بیشتری داشت؛ چراکه مردم شام همانند مردم کوفه با اهل بیت علیهم السلام آشنا نبودند و از سوی دیگر تحت تأثیر تبلیغات شدید آل ابی سفیان علیه خاندان رسالت و امامت قرار داشتند. لذا مهم‌ترین برنامه امام علیه السلام در شام، معرفی خاندان اهل بیت علیهم السلام و نقل فضایل آن‌هاست. همچنین پرده برداشتن از جنایت‌ها و ددمنشی‌های امویان با سخنرانی عمومی و افشاگرانه خود در کوفه، شام و مدینه به معرفی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و بیان حقانیت راه امام حسین علیه السلام و بیداری وجدان مردم پرداخت و خود به عنوان یک راوی عمل نموده و با سخنرانی‌هایش، اذهان خفته را بیدار و اصول و برنامه‌های معارف و حیانی قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پدران بزرگوارش را بیان نمود. (محمدزاده، ۱۳۹۲: ۱۶۵)

۳-۳. به‌کارگیری روش سیاسی - عاطفی (گریه)

یکی دیگر از راه‌کارهای مناسب سیاسی-عاطفی امام سجاد علیه السلام در جهت ترویج گرامی‌داشت حادثه عظیم کربلا، گریه است. باید افزود یکی از القاب حضرت، البكاء (زیاد گریه‌کننده) است و از این رو امام صادق علیه السلام وی را جزو پنج تن از گریه‌کنندگان عالم در آورده است که این امر خود، به نوعی تداعی گریه‌واقع کربلاست (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲۷۲/۱؛ معروف الحسنی، ۱۳۸۲: ۲/۱۲۴). در جایی دیگر، امام صادق علیه السلام در وجه تسمیه البكاء می‌فرماید:

جدم علی بن الحسین علیه السلام، به مدت بیست سال بر پدرش گریست. (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۴۱)

گفتنی است امام علیه السلام برای آن‌که واقعه عظیم کربلا در اذهان مردم جاودانه بماند و به دست فراموشی سپرده نشود، با گریه بر شهیدان و زنده نگه داشتن خاطره آنان در واقع مشروعیت حکومت اموی را زیر سؤال می‌برد. شکی نیست که گریه‌های ایشان ریشه عاطفی داشته؛ زیرا عظمت و بزرگی مصایب روز عاشورا به قدری دلخراش بود که هیچ بیننده و نظاره‌کننده‌ای آن حادثه را تا زنده بود فراموش نمی‌کرد؛ لیکن امام علیه السلام

می خواست با گریه های خویش، ظلم و جنایت های حکومت اموی از خاطره ها محو نگردد. منابع روایی از قول یکی از غلامان امام زین العابدین علیه السلام می گوید: روزی پس از سر برداشتن امام علیه السلام از سجده، دیدم که محاسن ایشان از اشک خیس شده بود. پس خوراکی در برابرش گذاشتم و به امام گفتم: «فدایت شوم! می ترسم به خاطر گریه فراوان از دست بروی!»

امام علیه السلام فرمود:

از غم و اندوه خود، به خدا شکوه می برم! همانا یعقوب نبی علیه السلام دوازده پسر داشت و خداوند یکی از آن ها را از مقابل چشمانش پنهان ساخت و از شدت بسیاری گریه، چشمانش سپید شد. حال آن که پسرش زنده بود، در حالی که من شاهد شهادت پدر، برادران، عموها و عموزادگانم بودم که آن ها را سر بریدند و عمه ها و خواهرانم را دیدم که به اسارت برده شدند. پس چگونه اندوه من پایان یابد و گریه من کم شود؟ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۷؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۲۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۰/۴۶)

در نگاهی کلی، علت این گریه مداوم امام، آن بود تا مردم متوجه عمق حادثه شده و آن را از یاد نبرند. بنابراین گریه طولانی بیست ساله امام سجاد علیه السلام بر مصیبت سیدالشهداء علیه السلام در واقع نوعی اعتراض سیاسی به قاتلان سیدالشهداء علیه السلام و خلفای جور اموی بود. اعتراض کسی که هیچ رسانه ای برای فریاد زدن و ستاندن حق خویش در اختیار نداشت. این اعتراض و گریه ها از سوی دیگر موجب زنده نگه داشتن یاد کربلا بود؛ زیرا قیام کربلا و ماجرای شهادت سیدالشهداء علیه السلام آغاز راه و بستری بود که حرکت سایر ائمه هم مبتنی بر آن بود و طبق معارف شیعی حتی قیام مهدی علیه السلام نیز در همین بستر صورت می گیرد و با آن مرتبط است و از همین رو است که سیره تمام ائمه شیعه و حتی امام زمان علیه السلام بر زنده نگه داشتن این مصیبت بوده و است.

۳-۴. زیارت قبر امام حسین علیه السلام و سفارش آن به دوستان

از راهبردهای عملی امام سجاد علیه السلام که خود نیز بدان مداومت داشت، زیارت قبر امام حسین علیه السلام و سفارش آن به دوستان و شیعیان مخلص بود. از این رو امام پس از ورود به

مدینه، دست از فعالیت‌های آشکار و صریح علیه دولت اموی به دلیل وجود جو اختناق و سرکوب کارگزاران اموی برداشت و بنا به نقلی در خارج از شهر مدینه در منطقه ینبع، زیر خیمه و چادری، زندگی خویش را سپری می‌کرد. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

پدرم بعد از شهادت پدرش چندین سال در بادیه و چادر زندگی کرد؛ زیرا ملاقات با مردم و رفت و آمد با آن‌ها را خوش نداشت. امام زمانی که در آن بادیه به سر می‌برد، برای زیارت مرقد جدشان و پدر بزرگوارشان به عراق می‌رفت و کسی متوجه رفت و آمد ایشان نمی‌شد. (ابن طاووس، ۱۳۸۲: ۴۳/۲)

شیخ کلینی از بزرگان محدث شیعه در قرن چهارم هجری در رابطه با این نوع عملکرد و سیره امام سجاد علیه السلام می‌نویسد:

ایشان با توجه به وصیت جدشان که از ناحیه پروردگار رسیده بود، کناره‌گیری را اختیار نمود. چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی جدمان امام سجاد علیه السلام عهده‌دار امامت گردید، مهر از وصیت جدش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برداشت و دید که در آن به او خطاب شده است: «یا علی! اطرق و أصمت؛ ای علی بن الحسین! وقتی عهده‌دار امامت شدی، چشم از خلق بیوش، ساکت باش، ملازم منزل خویش باش و پروردگارت را عبادت نما.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۱/۱؛ ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ۵۳)

به این سبب می‌توان گفت کناره‌گیری امام از اجتماع آن روز، عملی کاملاً پسندیده، عاقلانه و از روی مصلحت اندیشی بود؛ زیرا حاکمان اموی در پی نابودی رکن مهم دین؛ یعنی عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند و این هدف را با به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش و به اسارت بردن زنان و فرزندان خاندانش به اجرا درآورده بودند و اکنون نوبت امام سجاد علیه السلام تنها بازمانده اهل بیت علیهم السلام بود. بنابراین لازم بود تا امام علیه السلام برای حفظ خویشتن، چند سالی از اجتماع کناره‌گیری نماید و ارتباط خویش را با مردم بسیار محدود کند تا حکومت به ایشان اطمینان کامل پیدا کند. از این روست که به شیعیان و خاندانش دستور تقیه می‌دهد تا با اتخاذ این سیاسی استراتژیک، هستی و دوام شیعه را تضمین نماید. (جعفری نوقاب، ۱۳۸۳: ۱۲۲)

از سوی دیگر وقتی خود حضرت به زیارت مضجع شریف امام حسین علیه السلام و جد

بزرگوارش امام علی علیه السلام می‌رفت، در دیدار با شیعیان مخلص خود به آنان نیز توصیه و تشویق به زیارت و گریه می‌نمود و در این باره می‌فرمود:

هر مؤمنی که به خاطر شهادت امام حسین علیه السلام بگرید و برگونه‌اش اشک روان شود، خداوند او را وارد حجره‌ای در بهشت می‌کند و او زمان طولانی در آن جا به سر می‌برد. (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۰؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۸۳؛ ابن نماحلی، ۱۴۰۶: ۱۴)

بنابراین امام علیه السلام با اتخاذ روش گریه بر مصائب کربلا و تشویق به زیارت قبر شریف امام حسین علیه السلام، به مردم پاس داشت مقام شهدای کربلا و فرهنگ عاشورا را می‌آموخت.

۳-۵. استفاده از نماد آب

یکی دیگر از نکات راهبردی امام سجاد علیه السلام در زنده نگه داشتن یاد عاشورا و مصیبت سیدالشهداء علیه السلام، استفاده از آب به عنوان یک نماد بود. از امام سجاد علیه السلام روایت شده که هرگاه آبی می‌نوشید، گریه می‌کرد. از ایشان درباره سبب آن پرسیدند، فرمود:

چگونه گریه نکنم در حالی که آب را برای جانوران و درندگان بیابان آزاد گذاشتند ولی به روی پدرم بستند و او را تشنه لب به شهادت رساندند؟ (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۱۶۳/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۸/۴۶)

بنابراین امام علیه السلام هر وقت شهادت خویشان و یاران پدرش را به یاد می‌آورد، به گریه می‌افتاد و این عمل امام، بارها و در مناسبت‌های مختلف تکرار می‌شد. به این ترتیب آب به عنوان یک نماد برای یادآوری مصیبت سیدالشهداء علیه السلام در آن روزگار مورد توجه قرار گرفت به گونه‌ای که تا به امروز نیز این نماد جایگاه خود را در میان شیعیان اهل بیت علیهم السلام حفظ کرده است (احمدزاده، ۱۳۹۲: ۲۴۹). این راهبرد حیاتی از آن جا به دست می‌آید که به نقل از حضرت سکینه بنت الحسین علیها السلام از حلقوم بریده پدر بزرگوارش شنید که می‌گفت:

ای شیعه من! هرگاه آبی نوشیدید مرا یاد کنید، اگر از شهید و غریبی چیزی شنیدید باز هم مرا یاد کنید. (کفعمی، ۱۴۰۵: ۷۴۱؛ نوری، ۱۴۰۸: ۲۶/۱۷)

۳-۶. ایجاد احساس گناه و پشیمانی در مردم

از راهبردهای بنیادین در ترویج فرهنگ عاشورا در میان مردم، ایجاد احساس گناه و پشیمانی در مردم بود. عاملی که امام علیه السلام به نحو جدی در کوفه، شام و حتی مدینه نیز به کاربرد تا مردم را متوجه اشتباهشان نموده و اهداف قیام کربلا را روشن نماید. امام سجاد علیه السلام هنگام ورود به مدینه به طور جدی به عزاداری سیدالشهداء علیه السلام پرداخت و این جهت‌گیری به وضوح در رفتار امام چهارم پیدا بود.

هنگامی که کاروان اهل بیت به نزدیک مدینه رسید. امام سجاد علیه السلام دستور توقف داد و در آن جا خیمه ای بنا کرد و به بشیر بن جذلم گفت: «هم اکنون به مدینه برو و خبر شهادت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و ورود ما را به مردم برسان.» بشیر پس از ورود به مدینه چنین گفت:

یا اهل یثرب لا مقام لکم بها قتل الحسین وأدمعی مدرار
الجسم منه بکربلاء مضرج والرأس منه علی القناه بدار

سپس روبه مردم کرد و گفت:

علی بن الحسین علیه السلام با عمه‌ها و خواهرانش در بیرون شهر توقف کرده و من فرستاده او هستم که شما را از ماجرابی که بر آن‌ها رفته با خبر سازم. وقتی این خبر را به مردم رساندم در مدینه هیچ زنی نماند مگر این‌که با موی پریشان و شیون‌کنان از خانه خود بیرون آمد و من همانند آن روز را به یاد ندارم. امام علیه السلام در آن روز خطبه‌ای خواند که سراسر حزن و ماتم بود و مصایب سیدالشهداء علیه السلام را برای مردم بازگو کرد و سپس همراه با مردم بسیار گریست. (ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۱۱۲-۱۱۴؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۹۷-۲۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۵/۴۷-۱۴۹)

از این جهت با توجه به عملکرد امام سجاد علیه السلام در بدو ورود به مدینه با خطبه خوانی و به گریه واداشتن مردم، اقدام آن‌ها مبنی بر تنها گذاشتن امام حسین علیه السلام را یادآور شد تا از این اقدام خود پشیمان شوند و به اهل بیت علیهم السلام بیشتر نزدیک گردند و علوم و معارف الهی را از آنان فراگیرند. عملی که امام زین العابدین علیه السلام در کوفه و شام نیز تکرار کرد تا مردم حق اهل بیت علیهم السلام و جایگاه ایشان را بشناسند.



۳-۷. ترغیب و تشویق مردم به فرهنگ جهاد و شهادت

از جمله راهبردهای دیگر امام سجاد علیه السلام در تبیین معارف عاشورا، ترغیب و تشویق مردم به فرهنگ جهاد و شهادت است؛ امری که امام به خوبی از عهده آن برآمد و در کلامی، سیمای حقیقی شیعه را چنین ترسیم کرده است:

شیعه راستین ماکسی است که در راه اهداف و برنامه‌هایمان جهاد و تلاش کند و با کسانی که به ما ستم می‌کنند درگیر شود و ظلم آنان را دفع کند تا این که خداوند حق را از ستم پیشگان بازگیرد.

از این رو امام علیه السلام با ارائه تصویر کاملی از ارزش جهاد در راه خدا و حدود آن و آرزوهای خود برای شهادت در راه خدا و تشویق و ترغیب مردم برای شناخت حقیقت جهاد و اقدام به آن با حفظ همه شرایط و ضوابط، کمال دین و جامعیت بینش سیاسی خود را به اثبات رساند (محمدزاده، ۱۳۹۲: ۱۷۱). این امر باعث شد شیعیان حضرت، دست به قیام‌هایی چون توابین در عین الوردی (۶۵ق)، مختار ثقفی (۶۶ق) و زید بن علی (۱۲۲ق) زده و با بذل جان و مال خویش در پی احیای فرهنگ ایثار، جهاد با دشمنان و شهادت در راه آموزه‌های اصیل شیعی بردارند.

نتیجه

با وجود آن که در میان حوادث طول تاریخ، هیچ حرکتی نمود، پویایی و برجستگی قیام عاشورا را ندارد، اما آن چه بیش از همه باعث شده است خون و پیام این رویداد عظیم تاریخی برای همیشه زنده بماند و بر تارک تاریخ بدرخشد، سیره راهبردی ائمه اطهار علیهم السلام در زنده نگه داشتن و احیای فرهنگ آن است. بنابراین هر چند امام سجاد علیه السلام در محدودیت‌های شدید خلفای اموی و کارگزاران وی به سر می‌برد، اما با موضع‌گیری‌های مناسب توانست از فرهنگ عاشورا و دستاوردهای ارزشمند آن به صورت شایسته، پاسداری کند و راه حماسه‌آفرینان را تداوم بخشد.

این نوشتار نشان داد که امام سجاد علیه السلام با توجه به شرایط بحرانی زمان خود، برای زنده نگه داشتن یاد و راه سیدالشهدا علیه السلام، روش‌ها و رویکردهای فرهنگی خاصی داشت و در

این زمینه اقدام‌های مهمی انجام داد؛ از جمله پند و ارشاد امت از طریق موعظه و دعا، برملا ساختن ماهیت پلید اموی از طریق خطبه‌خوانی در کوفه و شام، اتخاذ روش سیاسی - عاطفی (گریه)، زیارت قبر امام حسین علیه السلام و سفارش آن به دوستان، استفاده از نماد آب، ایجاد احساس گناه و پشیمانی در مردم و ترغیب و تشویق مردم به فرهنگ جهاد و شهادت.

بنابراین امام چهارم علیه السلام، همان مبارزه درازمدت اهل بیت علیهم السلام را ادامه داد و راه را برای آیندگان هموار نمود.



منابع

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبه، تحقیق: علی اکبر غفاری، چ ۱، تهران، نشر صدوق.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، الأمالی، چ ۶، تهران، نشر کتابچی.
- _____ (۱۳۶۲)، النخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، چ ۱، قم، نشر جامعه مدرسین.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۲۶ق)، تهذیب التهذیب، چ ۱، بیروت، دارصادر.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق)، طبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- _____ (۱۳۷۴)، طبقات الکبری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، چ ۱، تهران، نشر فرهنگ و اندیشه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تحقیق: علی اکبر غفاری، چ ۲، قم، نشر جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب ﷺ، چ ۱، قم، نشر علامه.
- ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد (۱۳۸۲ق)، فرحه الغری فی تعیین قبرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ، چ ۲، نجف، دارالحیدریه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تحقیق: احمد فهری زنجانی، چ ۱، تهران، نشر جهان.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، تحقیق: عبدالحسین امینی، چ ۱، نجف، دارالمرتضویه.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، البدایه والنهایه، بیروت، دارالفکر.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ق)، مشیرالاحزان، چ ۳، قم، نشر مدرسه امام مهدی ﷺ.

- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۵ق)، الأغانی، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابوحنیفه دینوری، احمد بن داوود (۱۳۶۸)، اخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قم، دارالشریف الرضی.
- احمدزاده، سیداحمد (۱۳۹۲)، نقش امام سجاد علیه السلام در معارف اعتقادی امامیه، به راهنمایی: علی راد و مشاوره: رسول رضوی، تهران، دانشگاه قرآن و حدیث، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث: گرایش کلام و عقائد.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، چ اول، تبریز، نشر بنی هاشمی.
- جعفری نوقاب، رضا (۱۳۸۳)، سادات حسینی و عملکرد آن‌ها در عصر مروانیان، به راهنمایی: سیدحسین فلاحزاده و مشاوره: حسن حضرتی، قم، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم علیه السلام، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ اسلام.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۵)، تاریخ تشیع در ایران، قم، نشر انصاریان.
- حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب (۱۴۱۸ق)، تسلیه المجالس وزینه المجالس، تحقیق: کریم فارس حسون، چ ۱، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- شریف قرشی، باقر (۱۴۰۹ق)، حیاة الإمام زین العابدین علیه السلام، بیروت، دارالأضواء.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج، تحقیق: محمدباقر خراسان، چ ۱، مشهد، نشر مرتضی.
- طقوش، محمدسهیل (۱۳۸۷)، دولت امویان، ترجمه: حجت الله جودکی با افزوده‌هایی از رسول جعفریان، چ ۴، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- علی بن الحسین علیه السلام (۱۳۷۶)، صحیفه سجادیه، چ ۱، قم، دفتر نشر الهادی.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، تاریخ قم، ترجمه: حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تحقیق: سیدجلال الدین تهرانی، تهران، نشر توس.
- کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ق)، المصباح، چ ۲، قم، دارالشریف الرضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد

- آخوندی، چ ۴، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالأنوار، چ ۳، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
 - محمدزاده، مرضیه (۱۳۹۲)، علی بن الحسین علیه السلام امام سجاد علیه السلام، قم، دلیل ما.
 - مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ق)، اثبات الوصیه، قم، انصاریان.
 - معروف الحسنی، هاشم (۱۳۸۲ق)، زندگانی دوازده امام علیهم السلام، تهران، نشرامیرکبیر.
 - نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، چ ۱، قم، نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 - یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر.

